

## بررسی مطابقت ایجاد منطقه امن در مرزهای شمالی سوریه با مقررات حقوق بین الملل

ستار عزیزی \*

دانشیار حقوق بین الملل دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

محسن اکبری

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

### چکیده

نیروهای نظامی ترکیه در ۹ اکتبر ۲۰۱۹ با هدف ایجاد منطقه امن در شمال شرق سوریه به آن کشور حمله کردند و بخشی از سرزمین سوریه به اشغال دولت ترکیه درآمد. مفهوم «منطقه امن» با عناوین متفاوت در نظام حقوق بین الملل بشردوستانه استفاده شده است. در این مقاله، جایگاه قانونی تشکیل منطقه امن در مرزهای شمالی سوریه با ترکیه در پرتو مقررات حقوق بین الملل بررسی شده است. پرسش اصلی آن است که ایجاد منطقه امن، تحت چه شرایط و با رعایت چه ویژگی‌هایی در نظام حقوق بین الملل قابل پذیرش است؟ نظر به این واقعیت که دولت مرکزی سوریه با حمله نظامی ترکیه و ایجاد این منطقه مخالف بود و حتی درگیری نظامی میان طرفین روی داد و با توجه به فقدان مجوز شورای امنیت جهت تشکیل منطقه امن در سوریه؛ حمله نظامی ترکیه و تشکیل منطقه مزبور، مغایر بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد می‌باشد. از سوی دیگر تلاش ترکیه برای اسکان پناهندگان سوری ساکن در ترکیه در منطقه امن ادعا شده که از دیگر مناطق کشور سوریه آواره شده بودند، با نیت تغییر بافت جمعیتی شمال شرق سوریه به ضرر کردها انجام می‌گیرد و از این منظر نیز مغایر مقررات حقوق بین الملل کیفری محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: منطقه امن، سوریه، منع مداخله، منع توسل به زور، پاکسازی قومی.

## مقدمه

در نظام حقوق بین‌الملل بشردوستانه، هدف از تاسیس «منطقه امن» آن است که افراد غیرنظامی ساکن در یک منطقه و همچنین زخمیان و بیماران نظامی از آثار زیانبار جنگ داخلی یا بین‌المللی در امان باشند. مناطق امن اگر به درستی برقرار گردند، به غیرنظامیان این امکان را می‌دهد که در منطقه درگیری مانده و از خطرات و رنج ناشی از آوارگی و پناهندگی به کشورهای دیگر در امان مانند. این نهاد همچنین می‌تواند به کشورهای بی‌طرف کمک کند تا از آسیب‌های اجتماعی و زیان‌های اقتصادی ناشی از حضور پناهندگان دور باشند. بنابراین تاسیس مناطق امن را می‌توان نقطه تلاقی حقوق بشردوستانه و حقوق پناهندگان در حمایت از آسیب‌دیدگان جنگ تلقی کرد.

بر همین اساس بود که گروهی از دولت‌ها با استفاده از قطعنامه ۶۸۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد، منطقه امنی برای کردها در شمال عراق تاسیس کردند. همچنین شورای امنیت به موجب قطعنامه‌های ۸۱۹ و ۸۲۴ شش منطقه امن در کشور بوسنی تاسیس کرد تا از جان غیرنظامیان محافظت کند و از پاکسازی قومی مسلمانان توسط صرب‌ها جلوگیری نماید.

دولت ترکیه با آغاز عملیات «چشمه صلح» در ۱۹ اکتبر ۲۰۱۹ اعلام کرد که خواهان تاسیس «منطقه امن» به طول ۴۸۰ کیلومتر از حدفاصل مرزهای عراق و ترکیه تا شرق رودخانه فرات و به عمق ۳۲ کیلومتر در داخل خاک سوریه می‌باشد. ترکیه اعلام کرد که بدنبال آن است تا بیش از ۲ میلیون نفر از جمعیت کنونی پناهندگان سوری در ترکیه که بالغ بر سه میلیون و ششصد هزار نفر می‌شوند را در این منطقه امن سکونت دهد تا از گزند حملات ارتش سوریه و هم‌پیمانان آن دولت در امان باشند. در ۱۷ اکتبر توافق آتش‌بسی میان معاون اول رییس‌جمهور آمریکا با رییس‌جمهور ترکیه صورت گرفت و آمریکا با تشکیل منطقه امن در شمال سوریه موافقت کرد. همچنین در سفر روز ۲۲ اکتبر رییس‌جمهور ترکیه به روسیه، بیانیه ده ماده‌ای میان روسای جمهور دو کشور به امضا رسید. در این بیانیه نیز تشکیل منطقه امن در مرزهای شمالی سوریه با نظارت و گشت‌زنی مشترک نیروهای نظامی روسیه و ترکیه به تصویب رسید. این در حالی بود که اتحادیه عرب، اتحادیه اروپایی و بسیاری از کشورهای همسایه ترکیه از جمله ایران و همچنین

دولت مرکزی سوریه، مخالفت شدید خود را با عملیات نظامی ترکیه و تشکیل منطقه مذکور اعلام کردند.

در ادبیات فارسی حقوق بین‌الملل، مقاله و یا کتابی در خصوص جایگاه حقوقی منطقه امن در حقوق بین‌الملل منتشر نشده است اما در زبان انگلیسی در مورد نهاد «منطقه امن» چند مقاله نوشته شده است. گیلبرت و مگدالنا در مقاله‌ای که با عنوان «تشکیل مناطق و گذرگاه‌های امن در وضعیت‌های مخاصمه» در ژوئن ۲۰۱۷ نوشته‌اند؛ مفهوم منطقه امن را از منظر نظام‌های حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل پناهندگان مورد بررسی قرار داده‌اند. گیلارد نیز مقاله‌ای با عنوان «نواحی امن: چارچوب حقوقی بین‌المللی» به بررسی مفاهیم مختلف منطقه امن، نواحی امن، مناطق بی‌طرف، مناطق غیرنظامی و مناطق تحت حمایت در نظام حقوق بین‌الملل بشردوستانه و در هر دو نوع مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و داخلی پرداخته است. یاسوشی آکاشی نیز در مقاله‌ای با عنوان «استفاده از زور در عملیات‌های حفظ صلح ملل متحد: درس‌هایی از مقررات نواحی امن»؛ به بررسی مناطق امنی پرداخته که سازمان ملل متحد در جنگ یوگسلاوی تاسیس کرد و به تدریج به نیروهای حافظ صلح اجازه داد برای حفظ مردم غیرنظامی ساکن در آن مناطق از زور استفاده کنند.

منطقه امنی که در موافقتنامه آتش‌بس میان ترکیه با آمریکا و روسیه در خصوص شمال شرق سوریه ایجاد گردید با کارکردی به نظر مشابه اما با اهدافی کاملاً متفاوت ایجاد شده است. در این مقاله، ضمن بررسی ریشه‌های بحران بوجود آمده میان ترکیه و کردهای سوریه و هدف ترکیه از ایجاد این منطقه، جایگاه قانونی آن در نظام حقوق بین‌الملل بررسی می‌شود.

پرسش اساسی مقاله آن است که آیا اقدام ترکیه در تشکیل منطقه امن در شمال سوریه علی‌رغم مخالفت دولت سوریه، منطبق با مقررات حقوق بین‌الملل است یا خیر؟ و در صورت مغایرت، اقدام ترکیه ناقض کدام یک از مقررات حقوق بین‌الملل می‌باشد؟ فرضیه آن است که اساساً تشکیل نهاد «منطقه امن» با رعایت تمامی شرایط ذکر شده در نظام حقوق بین‌الملل بشردوستانه، قانونی است اما در این قضیه، تشکیل منطقه امن توسط دولت ترکیه در شمال شرق سوریه، مغایر مقررات حقوق بین‌الملل از جمله نقض قاعده منع توسل به زور و مداخله در امور داخلی دیگر کشورها محسوب می‌شود.

همچنین به نظر می‌رسد که تلاش ترکیه برای اسکان پناهندگان سوری در منطقه امن ادعا شده که از دیگر مناطق کشور سوریه آواره شده بودند، با نیت تغییر بافت جمعیتی شمال شرق سوریه به ضرر کردها انجام می‌گیرد و از این منظر نیز مغایر مقررات حقوق بین‌الملل کیفری محسوب می‌شود. در بند اول مقاله، مفهوم منطقه امن به صورت کلی و مبانی تاسیس آن در نظام حقوق بین‌الملل معرفی می‌گردد. در بند دوم مقاله، ویژگی‌های منطقه امن تاسیس شده در قضیه موصوف و دلایل و انگیزه‌های ترکیه از ایجاد منطقه امن در شمال شرق سوریه بیان می‌شود. در قسمت سوم و پایانی مقاله نیز مشروعیت ایجاد منطقه امن توسط ترکیه در پرتو مقررات حقوق بین‌الملل بررسی می‌گردد.

### ۱. مفهوم منطقه امن و مبانی تاسیس آن در نظام حقوق بین‌الملل

در ابتدا لازم است به این نکته اشاره شود که نهاد منطقه امن با واژگان و معانی مختلف در حوزه‌های مختلف حقوق بین‌الملل بویژه حقوق بین‌الملل بشردوستانه حقوق پناهندگان و حقوق توسل به زور مورد استفاده قرار گرفته است.<sup>۱</sup>

وجه اشتراک تمامی این مفاهیم مختلف؛ حفظ امنیت غیرنظامیان، مجروحان و بیماران جنگ است. تکرر مفاهیم و معانی در این حوزه، «دائم رهن» شده است. برای درک بهتر مطابقت تاسیس منطقه امن ادعا شده از سوی دولت ترکیه در شمال سوریه با مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه، لازم است معانی مختلف مفاهیم مشابه و مترادف در این حوزه مشخص گردد تا بتوان حکم قضیه را به درستی دریافت که به قول حضرت مولانا:

اختلاف خلق از نام اوفتاد علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
چون به معنای آرام اوفتاد

۱. حتی در نظام حقوق بین‌الملل دریاها و به صورت خاص در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها نیز از نهاد «مناطق ایمنی» (Safety Zones) نام برده شده است. در مواد ۱۴۷، ۱۱۱، ۶۰ و ۲۶۰ کنوانسیون به این نهاد اشاره شده است. مثلاً در بند ۴ ماده ۶۰ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، به کشور ساحلی اجازه داده شده است تا در اطراف جزایر مصنوعی، تاسیسات و بناها، مناطق ایمنی متعارف ایجاد نماید. ماده ۲۶۰ کنوانسیون ۱۹۸۲ نیز با عنوان مناطق ایمنی آغاز شده است. این ماده چنین مقرر می‌دارد: «مناطق ایمنی باید از وسعت معقول و منطقی که مسافت آنها بیشتر از ۵۰۰ متر در حوالی تاسیسات تحقیقاتی علمی که مطابق با مقررات مربوط به این کنوانسیون ایجاد می‌شوند نباشد...».

### ۱-۱. معانی و مفاهیم مختلف مناطق امن در نظام حقوق بین‌الملل بشردوستانه

هیچ تعریف واحد و مشخصی از مفهوم «منطقه امن» در نظام حقوق بین‌الملل وجود ندارد.<sup>۱</sup> در واقع در نظام حقوق بین‌الملل بشردوستانه، واژگان مختلفی با محوریت مفاهیم «امن»<sup>۲</sup> و «ایمنی»<sup>۳</sup> وجود دارد که در این ارتباط می‌توان به اصطلاحات «مناطق ایمن»<sup>۴</sup>، «نواحی بی‌طرف»<sup>۵</sup>، «راهروهای امن»<sup>۶</sup>، «مکان‌های بی‌دفاع»<sup>۷</sup> و «مناطق کاهش تنش»<sup>۸</sup> اشاره کرد. مناطق مذکور را می‌توان «مناطق امن» در مفهوم عام دانست زیرا هدف از تاسیس تمامی آنها، کاهش تلفات غیرنظامیان و حمایت از مجروحان و بیماران نظامی در جنگ است. در مقابل می‌توان از «منطقه امن»<sup>۹</sup> در مفهوم خاص نیز نام برد. به نظر می‌رسد که منطقه امن تاسیس شده توسط دولت ترکیه به مفهوم خاص آن نزدیک است.

در این قسمت، ابتدا هرکدام از مفاهیم مذکور به اختصار توضیح داده شده و سپس مشخص می‌شود که اقدام ترکیه در تاسیس منطقه امن در شمال سوریه با کدام یک از این نهادها نزدیکی بیشتری دارد.

#### ۱-۱-۱. مناطق ایمن

قبل از جنگ دوم جهانی در جنگ داخلی اسپانیا در منطقه مادرید و در جنگ میان ژاپن و چین در منطقه شانگهای، مناطق ایمن برای حفاظت از غیرنظامیان ایجاد شد.<sup>۱۰</sup> پس از جنگ دوم جهانی و در اسناد حقوق بین‌الملل بشردوستانه از عنوان «منطقه ایمن» به ترتیب در مواد

1. Geoff Gilbert and other Authors "Creating Safe Zones and Safe Corridors in Conflict Situations: Providing Protection at Home or Preventing the Search for Asylum?", Andrew & Renata Kaldor Centre for International Refugee Law, (2017), at p3.
2. Safe.
3. Safety.
4. Safety Zones.
5. Neutralized Zones.
6. Safe Corridors.
7. Non-defended Localities.
8. De-escalation Zones.
9. Safe Zone or Safe Havens.
10. Karin Landgren, "Safety Zones and International Protection: A Dark Grey Area", International Journal of Refugee Law, No. 9, (1995), p. 436.

۲۳ و ۱۴ کنوانسیون‌های اول و چهارم ژنو ۱۹۴۹ استفاده شده است.<sup>۱</sup> ماده ۲۳ کنوانسیون اول ژنو ۱۹۴۹ «راجع به بهبود سرنوشت مجروحین و بیماران نیروهای مسلح»، پیش‌بینی کرده است که دولت‌های متعاقد در زمان صلح و دولت‌های متخاصم پس از شروع جنگ می‌توانند در خاک خود و یا در صورت لزوم در اراضی اشغال شده، «مناطق و یا محل‌های بهداری»<sup>۲</sup> ایجاد نمایند، بطوری که زخم‌داران و بیماران و همچنین پزشکان و پرستارانی که در آن بهداری‌ها کار می‌کنند، از اثرات جنگ برکنار بمانند. به محض شروع جنگ و یا در ضمن جریان جنگ، دولت‌های ذیربط می‌توانند بین خود موافقتنامه‌هایی برای شناسایی رسمی مناطق و محل‌های بهداری که دایر ساخته‌اند، منعقد سازند.

ماده ۱۴ کنوانسیون چهارم ژنو راجع به حمایت از غیرنظامیان در زمان جنگ نیز همین مقرر را تکرار می‌کند تا دول متخاصم با ایجاد «نواحی بهداری و مناطق ایمن»<sup>۳</sup>؛ زخم‌داران، بیماران، معلولان، پیران، اطفال کمتر از ۱۵ سال، زنان باردار و مادران اطفال کمتر از هفت سال را از اثرات جنگ پناه دهند.

مواد فوق‌الذکر اجازه تاسیس نواحی ایمن را حتی در زمان صلح نیز می‌دهد. البته عملاً این نواحی تاکنون در زمان صلح ایجاد نشده‌اند.

## ۲-۱-۱. نواحی بی‌طرف

در ماده ۱۵ کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ مفهوم «نواحی بی‌طرف» پیش‌بینی شده است. به این معنا که هر یک از دول درگیر جنگ می‌تواند به طرف مقابل پیشنهاد دهد در نواحی که جنگ در جریان است «نواحی بی‌طرفی» دایر گردد تا زخم‌داران و بیماران (اعم از رزمنده و غیرنظامی) و همچنین غیرنظامیانی که در جنگ مشارکت ندارند، در منطقه مذکور در امان باشند. افراد حاضر در نواحی بی‌طرف نباید به دیگران اجازه حضور در آن نواحی را بدهند و خود آنها نیز نباید در فعالیت‌های نظامی دخالت نمایند. میان «مناطق ایمن» با «نواحی بی‌طرف» در این موارد، تفاوت وجود دارد:

1. Emanuela-Chiara Gillard, "Safe Areas: The International Legal Framework", *International Review of the Red Cross*, Vol. 99, No. 3, (2017), p. 1087.  
2. Hospital Zones and Localities.  
3. Hospital and Safety Zones and Localities.

الف- «مناطق ایمن» در مناطقی دور از منطقه جنگی تاسیس می‌شود. توافقی درازمدت بوده و برای دسته‌های خاص افراد آسیب‌پذیر ایجاد شده است.

ب- «نواحی بی‌طرف» در همان منطقه جنگی و برای مدت زمانی موقت تاسیس می‌شود تا نظامیان مجروح و بیمار و همچنین غیرنظامیان در آنجا مستقر شوند.

پ- تشکیل نواحی بی‌طرف تنها در زمان جنگ روی می‌دهد اما می‌توان تشکیل مناطق ایمن را در زمان صلح نیز پیش‌بینی کرد.

شرط لازمه ایجاد و بقای مناطق ایمن و نواحی بی‌طرف، آن است که از این مناطق سوء استفاده نشود. در این مناطق؛ غیر از مجروحان، بیماران، غیرنظامیان و اشخاصی که منطقه را اداره می‌کنند و به بیماران رسیدگی می‌نمایند و مردمی که اقامتگاه دائمی آنها در آن نواحی می‌باشد، افراد دیگری نباید حضور داشته باشند. در صورتی که ساکنان محل، شرایط فوق‌الذکر را رعایت نکنند؛ دولت متخاصم می‌تواند اعلام کند که آن ناحیه را دیگر به عنوان ناحیه ایمن و یا بی‌طرف به رسمیت نمی‌شناسد. البته از دست رفتن ویژگی ناحیه ایمن و بی‌طرف، باعث نمی‌شود که ساکنان محل از حمایت‌های مقرر در نظام حقوق بین‌الملل بشردوستانه محروم شوند.

### ۳-۱-۱. راهروهای امن

به خود واژه «راهرو امن» نه در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و نه در پروتکل‌های الحاقی اشاره نشده است. هرچند که به معنای این نهاد در ماده ۲۳ کنوانسیون چهارم ژنو اشاره شده است که چنین مقرر می‌دارد: «هر دولت متعاقد به کلیه محصولات دارو، لوازم بهداری و اشیای لازم جهت عبادت مذهبی که فقط برای افراد غیرنظامی در نظر گرفته شده است، آزادی عبور اعطا خواهد کرد. همچنین به هرگونه محصولات خواروبار ضروری، لباس و مواد مقوی مخصوص کودکان کمتر از پانزده سال، مادران باردار و یا تازه‌زا، آزادی عبور خواهد داد».

گفته می‌شود که تاسیس «مناطق ایمن» به خودی خود نمی‌تواند از غیرنظامیان، مجروحان، بیماران، زنان و کودکان حمایت نماید. چه آنکه ممکن است آنها در نتیجه وضعیت جنگی و محاصره، نتوانند به اندازه کافی به غذا و دارو دسترسی داشته باشند. بنابراین برای جلوگیری از آوارگی و پناهنده شدن آنها به دیگر کشورها لازم است دالان

و راهروهایی برای رساندن خدمات اساسی و حیاتی مانند آذوقه، دارو و مراقبت‌های بهداشتی برای آنان فراهم گردد. همچنین راهرو امن می‌بایست در زمانی که مناطق مزبور ناامن می‌شوند، راهی را برای خروج مردم از مناطق ایمن فراهم سازد.<sup>۱</sup>

#### ۴-۱-۱. مکان‌های بی‌دفاع

مقام‌های ذیربط یک طرف مخاصمه می‌توانند هر ناحیه مسکونی را که نزدیک و یا در قلب منطقه‌ای قرار گرفته که محل برخورد نیروهای مسلح است و در معرض اشغال توسط طرف مقابل می‌باشد به عنوان مکان بی‌دفاع اعلام نمایند (بند ۲ ماده ۵۹ پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷). در این صورت حمله هر یک از طرف‌های مخاصمه به مکان‌های بی‌دفاع با هر وسیله‌ای که باشد ممنوع است (بند یک ماده ۵۹).

مکان بی‌دفاع در صورتی پذیرفته می‌شود که واجد این شرایط چهارگانه باشد: الف- تمام مبارزان و همچنین سلاح‌های متحرک و تجهیزات نظامی متحرک باید تخلیه شده باشند؛ ب- هیچگونه استفاده خصمانه‌ای از تاسیسات نظامی ثابت صورت نگیرد؛ پ- هیچ عمل خصومت‌آمیزی توسط مقامات یا مردم صورت نمی‌گیرد و ت- هرگونه فعالیت مرتبط با عملیات نظامی باید متوقف شده باشد (بند ۲ ماده ۵۹).

#### ۵-۱-۱. مناطق کاهش تنش

از مفهوم «منطقه کاهش تنش» در مواردی استفاده می‌شود که امکان برقراری آتش‌بس کلی وجود ندارد. در اینگونه موارد برای کنترل و یا کاهش تنش، ممکن است مناطقی تعیین شوند که به آنها حمله نشود مثلاً در موافقتنامه «آستانه» در ماه می ۲۰۱۷ میان دولت‌های روسیه، ایران و ترکیه بر سر تعیین مناطقی در استان حلب با عنوان «مناطق کاهش تنش» توافق شد. هدف از تاسیس این منطقه آن بود تا غیرنظامیان و حتی نظامیان وابسته به ارتش آزاد سوریه از گزند عملیات‌های نظامی در امان باشند و با کاهش درگیری و مخاصمه در آن نواحی، بتوان دارو و مواد غذایی را به غیرنظامیان رساند.<sup>۲</sup>

1. Geoff Gilbert and other Authors, op. cit. at 1-3.

2. Gillard, op. cit. at 1076.



## ۶-۱-۱. مناطق امن

ایجاد «منطقه امن» در مفهوم خاص آن، نقطه تلاقی حمایت‌های نظام «حقوق بین‌الملل بشردوستانه» و «حقوق بین‌الملل پناهندگان» از افراد غیرنظامی است که می‌خواهند برای در امان ماندن از آسیب جنگ، کشور محل سکونت خود را ترک کنند و به کشورهای همسایه بگریزند. به موجب حقوق بین‌الملل پناهندگان، دولت‌ها حق ندارند افراد پناهنده را بدون میل و خواست آنان به کشوری بازگردانند که حق حیات آنان در خطر است (ماده ۳۳ کنوانسیون ژنو ۱۹۵۱). از سوی دیگر، دولت‌های همسایه بابت آثار زیانبار اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی حضور آوارگان جنگ در کشور خود نگران هستند. ایجاد «منطقه امن» در کشور جنگ‌زده، راه‌حلی است که دو نظام حقوق بشردوستانه و حقوق پناهندگان در اختیار مردم جنگ‌زده و دول همسایه قرار می‌دهند تا هم از آثار زیانبار جنگ در امان باشند و هم دولت‌های همسایه ناگزیر از پذیرش موج آوارگان و پناهندگان ناشی از جنگ نباشند.<sup>۱</sup> در ادبیات انگلیسی برای مناطق امن از دو واژه «Safe Haven» و «Zone Safe» به صورت مترادف استفاده می‌شود. پس از دوران جنگ سرد و تقویت گفتمان فردمحور نظام حقوق بین‌الملل و تضعیف مفهوم سنتی حاکمیت، از نهاد منطقه امن بیشتر استفاده شد.<sup>۲</sup> با توجه به اینکه دولت ترکیه اعلام کرده است می‌خواهد در منطقه‌ای به طول ۴۸۰ کیلومتر و عمق ۳۲ کیلومتر جمعیتی نزدیک به دو میلیون نفر از پناهندگان سوری را اسکان دهد<sup>۳</sup>، به نظر می‌رسد که منطقه مورد نظر دولت ترکیه به مفهوم اخیر در نظام حقوق بشردوستانه نزدیک است. استفاده از عنوان «منطقه امن»<sup>۴</sup> در موافقتنامه میان ترکیه و ایالات متحده نیز این گمان را تقویت می‌کند. در بند بعدی، مبنای تاسیس منطقه امن در نظام حقوق بین‌الملل بررسی می‌شود.

1. Kati Long, "In Search of Sanctuary: Border Closures, 'Safe' Zones and Refugee Protection", *Journal of Refugee Studies* Vol. 26, No. 3, (2012), pp.458-476. P.458.

2. Ibid. p.459.

3. *In Turkey's Safe Zone in Syria, Security and Misery Go Hand in Hand*, By Carlotta Gall, Feb. 16, 2019, Turkish Forces in Syria Protect 5 Million People - The New York Times (nytimes.com).

4. Safe Zone.

## ۲. مبنای تاسیس مناطق امن در نظام حقوق بین‌الملل

تاسیس تمامی نهادهای ذکر شده در بند ۱-۱ مقاله، مسبوق به توافق طرف‌های مخاصمه می‌باشد.<sup>۱</sup> بعنوان یک قاعده اصولی، تاسیس مناطق ایمن و نواحی بی‌طرف، مسبوق به وجود موافقت طرفین مخاصمه با میانجیگری دولت حامی و یا سازمان نوع‌دوستانه بی‌طرف مانند کمیته بین‌المللی صلیب سرخ می‌باشد. به عبارت دیگر، مبنای ایجاد نواحی ایمن و بی‌طرف، در نظام حقوق بشردوستانه، توافق طرفین مخاصمه می‌باشد. ایجاد «راهرو امن»، تکلیفی است که کنوانسیون چهارم ژنو بر عهده هریک از طرفین مخاصمه می‌نهد اما بدیهی است که در اینجا نیز برای مؤثر واقع شدن این نهاد، همه طرفین درگیری باید از راهروهای ایمن حمایت کنند.

«مکان‌های بی‌دفاع» با توصیف دقیق محدوده و شرایط آن، طی اعلامیه‌ای یکجانبه توسط هر یک از طرفین مخاصمه به طرف مقابل ابلاغ می‌شود. طرف مخاصمه که این ابلاغ خطاب به آن است وصول آن را اعلام داشته و در صورت وجود شرایط، موظف است آن را بعنوان یک مکان بی‌دفاع شناسایی کند.

تعیین «مناطق کاهش تنش» نیز منوط به موافقت طرف‌های مخاصمه است. البته در خصوص سوریه شاهد نوعی بدعت در این زمینه هستیم چرا که دولت‌های روسیه و ایران به نیابت از سوریه و دولت ترکیه به نیابت از مخالفان، نسبت به تعیین مناطق اقدام کرده‌اند. در واقع دول خارجی به وکالت از طرف‌های اصلی جنگ، مناطق کاهش تنش را مشخص کرده‌اند.

منطقه امن در مفهوم خاص آن نیز در درجه اول منوط به توافق طرف‌های مخاصمه می‌باشد. همچنین بدیهی است که شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌تواند با استفاده از اختیارات خود در چارچوب فصل هفتم منشور ملل متحد، اقدام به تاسیس مناطق امن نماید. تاکنون در کشورهای عراق و بوسنی (در جریان جنگ داخلی یوگسلاوی سابق) مناطق امن تاسیس شده است که مبنای مستقیم یا غیرمستقیم تاسیس آن مناطق، قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد بوده است.

---

1. Eian Katz, "Between Here and There: Buffer Zones in International Law", The University of Chicago Law Review, Vol. 84, (2017), at 1423.

در تاریخ ۵ آوریل ۱۹۹۱ شورای امنیت متعاقب دریافت نامه‌هایی از کشورهای ترکیه، ایران و فرانسه که نگران وضعیت بد مردم آواره کرد در اثر حملات دولت صدام حسین و همچنین ورود آنها به کشورهای همسایه بودند، قطعنامه ۶۸۸ را تصویب نمود. در بند ۳ این قطعنامه از دولت عراق درخواست شد به سازمان‌های بشردوستانه بین‌المللی اجازه دهد به کمک مردم نیازمند بشتابند. متعاقب این قطعنامه، سران دول عضو جامعه اروپایی به همراه ترکیه و بر اساس پیشنهاد بریتانیا در تاریخ ۸ آوریل ۱۹۹۱ در اجلاس لوکزامبورگ گردهم آمدند و خواهان مداخله جامعه بین‌المللی جهت ایجاد منطقه امن برای کردها در نزدیک مرزهای عراق با ترکیه و ایران شدند.

در تاریخ ۱۰ آوریل ۱۹۹۱، دولت ایالات متحده آمریکا اعلام کرد که منطقه‌ای از حدفاصل نزدیک مرزهای ترکیه با عراق در شمال آن کشور تا جنوب موصل در مدار ۳۶ درجه (به استثنای منطقه نفت خیز کرکوک) منطقه امن اعلام می‌گردد و دولت عراق حق ندارد مانع دسترسی کردها به نهادهای بشردوستانه در این منطقه شود و الا با توسل به زور مواجه خواهد شد. عراق با ایجاد این منطقه مخالفت کرد لذا در روز ۱۷ آوریل نیروهای آمریکا و متحدان آن کشور وارد عراق شدند تا منطقه امنی برای کردها ایجاد کنند و سازمان‌های بشردوستانه امکان کمک‌رسانی به آنها را داشته باشند.

هرچند در قطعنامه ۶۸۸ به موضوع ایجاد منطقه امن اشاره نشده بود اما آمریکا و همپیمانان آن کشور از بند ۳ قطعنامه به عنوان مبنایی برای مداخله در شمال عراق استفاده کردند. عراق همچنان به اقدام آمریکا معترض بود اما به آن پاسخ نظامی نداد. نهایتاً در ۱۸ آوریل موافقتنامه‌ای میان دولت عراق با صدرالدین آفاخان نماینده اجرایی دبیرکل سازمان ملل در برنامه بشردوستانه برای عراق امضا گردید تا کمک به پناهجویان عراقی تسهیل شود. منطقه‌ای به وسعت ده‌هزار کیلومتر در شمال عراق با حضور سربازان آمریکایی و متحدان آن کشور بعنوان منطقه امن برای کردها تهیه شد و به تدریج کردها از کوه‌ها و مرزهای عراق و ایران به این منطقه بازگشتند. آمار، حکایت از مرگ بیش از سیزده هزار نفر در کوه‌ها بر اثر سرما و گرسنگی داشت.

برخلاف مورد عراق، تشکیل مناطق امن در کشور بوسنی رأساً توسط شورای امنیت صورت گرفت. شورای امنیت سازمان ملل متحد در ۲۱ فوریه ۱۹۹۲ و طی قطعنامه شماره ۷۴۳ تشکیل نیروی (UNPROFOR) را با رضایت دولت یوگسلاوی تصویب

کرد و در ۸ ژوئن ۱۹۹۲ حوزه ماموریت آن نیرو را به بوسنی هرزگوین گسترش داد. زمانی که نیروهای صرب بوسنی حملات خود را به مناطق مسلمان‌نشین تشدید کردند، در ۱۶ آوریل ۱۹۹۳ شورای امنیت با تصویب قطعنامه ۸۱۹ واکنش نشان داد و از طرفین درگیری تقاضا کرد که منطقه سربرنیستا و مناطق اطراف آن را بعنوان ناحیه امن شناسایی کنند.

در ماه می ۱۹۹۳ شورای امنیت قطعنامه ۸۲۴ را تصویب کرد و پنج منطقه دیگر را به «نواحی امن» اضافه کرد. در این قطعنامه، سارایگوو و دیگر مناطق مورد تهدید نیز ناحیه امن شناخته شد که می‌بایست در آنها از اقدام مسلحانه خودداری گردد. البته شورای امنیت به نیروهای حافظ صلح (UNPROFOR) اجازه نداد تا از این مناطق به صورت مسلحانه دفاع کند. به همین دلیل کشتار سربرنیستا با کشتن مردان مسلمان بوسنی توسط صرب‌ها روی داد. همچنین شورای امنیت با تصویب قطعنامه ۸۳۶ ماموریت نیروی حافظ صلح را توسعه داد تا از پاکسازی قومی مناطق مزبور توسط صرب‌ها جلوگیری کند.<sup>۱</sup>

در بخش بعدی مقاله، طرح ایجاد منطقه امن در شمال شرق سوریه که به عنوان هدف انجام عملیات چشمه صلح انجام گرفت توضیح داده و آنگاه مشروعیت تشکیل این نهاد بررسی می‌شود.

### ۳. ویژگی‌ها، دلایل و انگیزه‌های ترکیه از طرح ایجاد منطقه امن در شمال شرق سوریه

برای تبیین بهتر انگیزه‌های دولت ترکیه از انجام عملیات نظامی چشمه صلح و توضیح دلایل اقدام آن دولت جهت تشکیل منطقه امن در شمال شرق سوریه، ابتدا لازم است زمینه‌ها و ریشه‌های بحران و اختلاف در روابط میان کردهای سوریه و ترکیه بیان شود سپس ویژگی‌های مورد نظر ترکیه از تاسیس این منطقه را توضیح خواهیم داد.

---

1. Yasushi Akashi, "The Use of Force in a United Nations Peace-Keeping Operation: Lessons Learnt from the Safe Areas Mandate", Fordham International Law Journal, Volume 19, issue.2, (1995), p. 314.

### ۳-۱. زمینه‌ها و ریشه‌های بحران و اختلاف در روابط میان کردهای سوریه و

#### ترکیه

در سال ۲۰۱۱ با آغاز بهار عربی از تونس، بحران مشروعیت سیاسی حکومت در خاندان اسد به مثابه حلقه اتصالی برای شروع جنبش اجتماعی برای دموکراسی خواهی در سوریه شد که در آن، مخالفان حکومت اعم از سکولار چپ‌گرا، ملی‌گرای لیبرال، اسلامگرایان در طیف‌های گوناگون مشارکت کردند.<sup>۱</sup> مداخله دول خارجی نیز به وخامت اوضاع افزود.<sup>۲</sup>

کردها نیز که از همان آغاز تشکیل دولت سوریه در معرض فشار و تبعیض قرار داشتند و در زمان حکومت بعث از حقوق اساسی محروم بودند، با حکومت مرکزی همدل نبودند. در واقع وضعیت کردها در سوریه از دیگر کشورهای محل سکونت کردها بسیار بدتر بود و دولت سوریه تا همین اواخر حتی از اعطای تابعیت به کردهای سوری خودداری می‌کرد.<sup>۳</sup>

در سوریه کردها بین ۱/۷ تا ۲ میلیون نفر یعنی حدود ده درصد از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و بزرگترین اقلیت قومی آن کشور هستند. سنی‌ها بیش از ۷۰ درصد و علویان حدود ۱۳ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند.

مهمترین مطالبات کردها برخورداری از حقوق مدنی و سیاسی و بهره‌مندی از نوعی خودگردانی در مناطق کردنشین سوریه است.<sup>۴</sup> این خواسته کردها در واکنش به تبعیض سیستماتیک و اعمال سیاست تعریب توسط حکومت‌های مرکزی در سوریه بود که در دوران حکومت حزب بعث با شدت بیشتری دنبال شد. «تاکید حزب بعث بر ناسیونالیسم عربی، تنش را میان کردها و اعراب افزایش داد. زبان کردی هرگز رسمیت نیافت و

۱. خلیل الله سردارنیا و همکاران، «اپوزسیون سکولار و بحران سوریه»، فصلنامه روابط خارجی، تابستان، شماره ۲، (۱۳۹۶)، ص ۱۹۵.

۲. علی امید و همکاران، «بحران سوریه براساس نظریه مکعب بحران»، فصلنامه روابط خارجی، زمستان، شماره ۴، (۱۳۹۶)، ص ۹۲.

۳. ستار عزیزی و همکاران، *تابعیت در حقوق ایران و بین‌الملل* (همدان: انتشارات دانشگاه بوعلی سینا، ۱۳۹۰) ص ۷۸.

۴. خلیل الله سردارنیا، همان، ص ۲۰۸.

استفاده از آن در اماکن رسمی ممنوع شد.<sup>۱</sup> مخالفان دولت بشار اسد اعم از سکولار و اسلامگرایان معتدل با حمایت دولت‌های غربی و عربی، نیروی نظامی با عنوان «ارتش آزاد سوریه» تشکیل دادند که تا زمان نگارش مقاله نیز از حمایت تام و تمام دولت ترکیه برخوردار است.

رویکرد مخالفان بشار اسد نسبت به کردها چندان تمایزی با رویکرد حکومت نداشت. هر دوی آنها در انکار هویت ملی و قومی کردها اتفاق نظر داشتند و برای جلب نظر کردها حاضر به تغییر صفت عربی کشور سوریه نبودند (نام رسمی کشور سوریه، جمهوری عربی سوریه می‌باشد). از این رو کردها تمایلی به همپیمانی با مخالفان بشار اسد نداشتند و تصمیم گرفتند که در جنگ میان حکومت و مخالفان، بی‌طرف بمانند.

در شرایطی که حکومت مرکزی سوریه درگیر جنگ داخلی با نیروهای اپوزیسیون بود کردها از این موقعیت سود برده و کنترل امور مناطق خود را در دست گرفتند.<sup>۲</sup> دولت سوریه نیز برای آنکه بتواند با تمام قوا علیه مخالفان بجنگد، نیروهای نظامی خود را از مناطق کردنشین که عمدتاً در شمال شرقی سوریه قرار دارند، بیرون برد و آن مناطق را به حزب دموکراتیک کردستان سوریه پ.ی.د سپرد. این شهرها شامل قامشلی، حسکه، دیرالزور بودند.

گفته می‌شود که انگیزه دیگر بشار اسد از این اقدام، انتقام‌گیری از دولت ترکیه بابت حمایت از ارتش آزاد سوریه بوده است. لازم بذکر است که در دوران حافظ اسد، بخش قابل توجهی از نیروهای پ.ک.ک را جوانان کرد سوری تشکیل می‌دادند. حافظ اسد ضمن موافقت ضمنی با این عمل، قصد داشت با یک تیر دو نشان بزند. از یکسو از شر کردهای کشورش خلاص می‌شد تا در جنگ با نیروهای ترکیه کشته شوند و از سوی دیگر انتقام خود را از ترکیه بابت برخی اختلافات مرزی از جمله الحاق برخی شهرهای عربی به ترکیه مانند اسکندورن و ... بگیرد. به همین دلیل بود که اردوغان در ۲۶ جولای

۱. علی باقری دولت‌آبادی و همکاران، «آینده سیاسی کردستان سوریه: بیم‌ها و امیدها»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، پاییز، شماره ۲۳، (۱۳۹۶)، ص ۲۶.

۲. آرمان سلیمی و همکاران، «کردهای سوریه: الگوی سنجش وزن اقلیت»، فصلنامه روابط خارجی، تابستان، شماره ۲، (۱۳۹۳)، صص ۵۳-۵۵.

۲۰۱۲ مدعی شد که بشار اسد پنج استان سوریه را به کردهای مخالف ترکیه سپرده تا علیه ترکیه وارد عمل شوند.<sup>۱</sup>

تسلط کردها در مناطق کردنشین و کنترل بر دستگاه‌های امنیتی و اداری این مناطق موجب نگرانی دولت ترکیه شده بود. در این میان، آنکارا به شدت از کنترل حزب اتحاد دموکراتیک بعنوان شاخه وابسته به حزب کارگران کردستان در مناطق کردنشین واهمه داشت زیرا کنترل این حزب بر نواحی کردنشین که در نزدیکی مرزهای ترکیه هستند، می‌تواند زمینه‌های استقرار حزب کارگران کردستان را در این مناطق فراهم آورد و در نتیجه جبهه و پایگاه جدیدی برای حملات گسترده تر پ.ک.ک به ترکیه گشوده شود.

بعبارت دیگر حضور حزب اتحاد دموکراتیک در این مناطق می‌تواند پایگاه مناسب را برای نیروهای کرد معارض دولت ترکیه فراهم کند تا بتوانند از یک سو جبهه جنگ علیه ارتش ترکیه را در ابعاد وسیع‌تر به پیش ببرند و از سوی دیگر افکار عمومی کردهای ساکن ترکیه که حدود ۲۰ درصد جمعیت کشور ترکیه را تشکیل می‌دهند، برای رسیدن به وضعیت همانند وضعیت کردهای سوریه بسیج کنند و زمینه‌ساز قیام وسیع کردهای ترکیه شوند.<sup>۲</sup>

در ۱۷ مارس ۲۰۱۶ حزب اتحاد دموکراتیک سوریه طی بیانیه‌ای، خودمختاری کردها را در شمال سوریه اعلام کرد اما این خودمختاری از سوی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی به رسمیت شناخته نشده است.<sup>۳</sup> ترکیه از آن هراس دارد که بقای این تشکیلات خودمدیریتی به شناسایی دوفاکتو در طول زمان و سپس شناسایی دوژوره (قانونی) جامعه جهانی منجر شود. تجربه شناسایی حقوق حکومت منطقه‌ای اقلیم کردستان در عراق توسط جامعه بین‌المللی به نگرانی‌های ترکیه در این ارتباط افزوده است.

۱. جمشید شریفیان و همکاران، «تعامل و تقابل ایران و ترکیه در بحران سوریه»، فصلنامه امنیت پژوهی، شماره ۳۸، (۱۳۹۱)، ص ۱۷۲.

۲. آرمان سلیمی، همان، صص ۶۱-۶۲.

۳. علی باقری دولت آبادی، همان، ص ۲۵.

## ۲-۳. ویژگی‌های منطقه امن ایجاد شده در شمال شرق سوریه

همانگونه که در بند پیشین گفته شد، حداکثر خواسته کردها، برقراری نظام فدرالیسم در سوریه و بهره‌مندی از اختیاراتی به مانند حکومت اقلیم کردستان عراق است.<sup>۱</sup> دولت ترکیه از آن هراس دارد که کردهای سوریه نیز موفق به تاسیس حکومتی خودگراں مشابه اقلیم کردستان عراق شوند. بدیهی است که این امر می‌تواند برای کردهای منطقه بویژه کردهای آن کشور از منظر عاطفی و سیاسی الهام‌بخش باشد و آنها را نیز تشویق به برقراری ساختار مشابه در کشور ترکیه نماید.<sup>۲</sup> در همین راستا بود که ترکیه با اعمال تحریم‌های سخت و همکاری با دیگر کشورهای منطقه، پروژه برگزاری رفراندوم و استقلال کردها در اکتبر ۲۰۱۷ را عقیم گذاشت.

راهکار دولت ترکیه برای جداسازی سرزمینی کردهای سوریه و ترکیه آن بود که منطقه‌ای حائل میان کردهای هر دو سوی مرز ایجاد کند و با اسکان سه میلیون و ششصد هزار پناهنده سوری در مناطق محل سکونت کردهای سوریه که از دیگر مناطق کشور سوریه به کشور ترکیه پناهنده شده بودند، ترکیب جمعیتی شمال شرق سوریه را تغییر داده و میان کردهای ترکیه و سوریه، جمعیتی عرب را ساکن کند. به این ترتیب، مانع ارتباط کردهای کشورش با کردهای سوریه شده و در درازمدت نیز خطر اتحاد کردهای دو سوی مرز و تلاش برای کشور واحد کردی را از میان بردارد.

همچنین ایجاد منطقه حائل به طول ۴۸۰ کیلومتر و به عمق ۳۲ کیلومتر که تمامی شهرهای کردنشین سوریه را در بر می‌گیرد، عملاً حکومت خودمختار کردهای سوریه را نیز از میان بر می‌دارد. تاکید ترکیه بر این موضوع که هیچ یک از کارکنان و کارمندان غیرنظامی وابسته به حکومت محلی کردها نیز نباید در منطقه امن حضور داشته باشند، تفاوت این منطقه را با «منطقه ایمن» پیش‌بینی شده در ماده ۱۴ کنوانسیون چهارم ژنو نشان می‌دهد زیرا در منطقه ایمن، کارکنان غیرنظامی می‌توانند برای اداره منطقه در آنجا حضور داشته باشند. همین نکته در خصوص مکان‌های بی‌دفاع صادق است. بند ۳ ماده ۵۹

۱. آرمان سلیمی، همان، ص ۱۳۸.

۲. محمدرضا حافظ‌نیا، «تاثیر خودگردانی کردهای شمال عراق بر کشورهای همسایه»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی،

شماره ۸۳، (۱۳۹۷)، صص ۲۲-۲۳.



پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ تصریح دارد که حضور نیروهای انتظامی که فقط به منظور حفظ نظم و قانون در منطقه باقی مانده باشند، مغایر شرایط مقرر برای مکان‌های بی‌دفاع نیست اما دولت ترکیه به هیچ وجه اجازه حضور نیروهای انتظامی و کارمندان وابسته به دولت محلی‌گرد را در منطقه امن ادعا شده نمی‌دهد.

ترکیه مدعی است که بسیاری از فرماندهان و چریک‌های ی.پ.گ عملاً از فرماندهان و چریک‌های پیشین گروه پ.ک.ک.ک بوده لذا حضور تشکیلات نظامی و سیاسی این گروه، تهدیدی برای امنیت ملی ترکیه است. با وجود آنکه نیروهای نظامی کرد سوریه تحت عنوان «نیروهای دموکراتیک سوریه» فعالیت می‌کنند و تعدادی از نیروهای آنها را نیز اعراب، آشوری‌ها و مسیحیان سوریه تشکیل می‌دهند اما نباید از این واقعیت غافل شد که این گروه و تشکیلات از نظر سیاسی و ایدئولوژیک تحت تاثیر تعالیم عبدالله اوجالان (رهبر پیشین پ.ک.ک.ک) می‌باشد که هم اکنون در جزیره ایمرالی ترکیه در زندان است و از تصاویر او در کمپ‌های آموزش نظامی چریک‌های کرد سوری استفاده می‌شود.

نظر به این واقعیت که گروه پ.ک.ک.ک در فهرست سازمان‌های تروریستی ایالات متحده آمریکا و دولت‌های غربی قرار دارد (زیرا ترکیه متحد کشورهای غربی در ناتو می‌باشد) ترکیه توانست رضایت آمریکایی‌ها را در ایجاد منطقه امن جهت دور نگه داشتن چریک‌های ی.پ.گ از مرز ترکیه جلب کند.

در روز ۱۶ اکتبر ۲۰۱۹، دونالد ترامپ دستور داد تا نیروهای نظامی آمریکایی که در شمال شرقی سوریه و برای حمایت از کردها حضور داشتند، از این کشور خارج شوند؛ سه روز بعد، حمله ترکیه با عنوان «عملیات چشمه صلح» با همراهی ارتش آزاد سوریه که در حال حاضر، غالب نیروهای آن را گروه‌های متعلق به سلفی‌های تندرو تشکیل می‌دادند آغاز گردید و نیروهای هوایی این کشور مناطق نظامی و حتی غیرنظامی کردستان سوریه را بمب باران کرد.<sup>۱</sup>

دولت ترکیه در نامه مورخ ۹ اکتبر به شورای امنیت سازمان ملل متحد، هدف غایی از عملیات موسوم به چشمه صلح را بیرون راندن نیروهای کرد سوری موسوم به یگان‌های

---

1. Peace Fountain Operation Joint Press Release, February 24, 2020, "Peace Fountain Operation", Joint Press Release - Ordu Commodity Exchange (ordutb.org.tr).

مدافع خلق ی.پ.گ از عمق ۳۲ کیلومتری از مرز مشترک با سوریه و در امتداد ۴۸۰ کیلومتر اعلام کرد که از شرق رود فرات آغاز و تا مرز مشترک عراق و ترکیه امتداد می‌یابد. ترکیه این محدوده را با عنوان «منطقه امن» نام‌گذاری کرد.<sup>۱</sup>

این عملیات با انتقادات وسیع بین‌المللی روبرو شد و بسیاری از دولت‌ها از جمله اتحادیه عرب، کشورهای اروپایی و کشورهای منطقه، آن را محکوم کردند. اتحادیه عرب در بیانیه پایانی جلسه فوق‌العاده خود در سطح وزرای امور خارجه ضمن محکومیت تجاوز نظامی ترکیه به شمال شرق سوریه، بر تمامیت ارضی این کشور تاکید کرد. اتحادیه عرب، تجاوز نظامی ترکیه را تهدیدی مستقیم برای امنیت جهان عرب برشمرد و از شورای امنیت سازمان ملل درخواست کرد که برای توقف آن وارد عمل شود. همچنین در بیانیه پایانی جلسه فوق‌العاده اتحادیه بر بررسی اتخاذ اقدامات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و گردشگری علیه ترکیه در پاسخ به تجاوز نظامی این کشور به شمال شرق سوریه تاکید شده است.<sup>۲</sup>

اتحادیه اروپا نیز ضمن درخواست از ترکیه برای متوقف ساختن عملیات نظامی خود، خارج کردن نیروهایش از شمال شرق سوریه و احترام به حقوق بین‌الملل، تاکید کرد: حمله ترکیه در سوریه به داعش کمک می‌کند و امنیت ما را در معرض تهدید قرار می‌دهد. در واقع ساعتی از پس از اعلام رسمی آغاز عملیات نظامی ارتش ترکیه در مناطق شمال شرقی سوریه، «ژان کلود یونکر» رئیس کمیسیون اروپا خواستار توقف عملیات نظامی ترکیه در شمال شرقی سوریه شد. رئیس کمیسیون اروپا افزود: «اگر ایجاد منطقه موسوم به منطقه امن جزء برنامه‌ها است، انتظار نداشته باشید که اتحادیه اروپا هیچ هزینه‌ای برای آن پردازد».<sup>۳</sup> جمهوری اسلامی ایران نیز خواستار خویشتنداری ترکیه شد.<sup>۱</sup>

1. Letter dated 9 Oct. 2019 from the Permanent Representative of Turkey to the United Nations addressed to the President of the Security Council, available at: <https://digitallibrary.un.org/record/3830966>.

۲. خبرگزاری ایسنا، بیانیه پایانی نشست فوق‌العاده اتحادیه عرب؛ «حمله ترکیه به سوریه محکوم است»، حمید محمدطاهری، کد خبر: ۹۸۰۷۲۰۱۵۲۰۸، <https://www.isna.ir/news/98072015208>.

۳. وبسایت یورونیوز، اتحادیه اروپا حملات ترکیه را محکوم کرد و خواستار توقف فروش اسلحه به آنکارا شد، ۲۰۱۹/۱۰/۱۴.

<https://per.euronews.com/2019/10/14/european-union-unanimously-condemned-turkey-military-attack-northern-syria-stop-selling>.

متعاقب این فشارها در تاریخ ۱۷ اکتبر ۲۰۱۹، مایک پنس، معاون رئیس جمهور آمریکا و رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه، به توافق رسیدند تا آتش‌بسی به مدت ۱۲۰ ساعت برقرار شود تا در این مدت، نیروهای دموکراتیک سوریه از منطقه امن تعیین شده از مرز ترکیه-سوریه تا ۲۰ مایل (۳۲ کیلومتری) به سمت جنوب خارج شوند. در پی این مذاکرات، بیانیه مشترک ۱۳ ماده‌ای میان ترکیه و آمریکا منتشر شد. در این بیانیه، پنج‌بار از واژه «منطقه امن» استفاده شده است. بنابراین با ایده اصلی ترکیه موافقت گردید. در این موافقتنامه، کنترل منطقه امن به دولت ترکیه واگذار شده است. البته در بند ۱۰ این توافقنامه، تاکید شده است که این مسئولیت در ابتدا به ترکیه واگذار می‌گردد و بعداً کنترل منطقه با همکاری دو کشور خواهد بود.

چند روز بعد و در ۲۲ اکتبر، اردوغان به روسیه رفت و در شهر سوچی به توافق مشابهی با رئیس جمهور روسیه، پوتین رسید. برخلاف توافق آتش‌بس میان آمریکا و ترکیه، در توافق میان روسیه و ترکیه از واژگان منطقه یا نواحی امن، نامی به میان نیامده است. با وجود این، در بندهای (۳ و ۵) توافق ده ماده‌ای میان دو کشور روسیه و ترکیه، با قبول عقب‌نشینی نیروهای کرد از عمق ۳۰ کیلومتری مرز مشترک سوریه با ترکیه (بجر مناطق میان تل ابیض و راس العین) و قبول اشغال ناحیه میان شهرهای تل ابیض و راس العین به عمق ۳۲ کیلومتر (سری کانی و گری سپی) که محدوده عملیاتی دولت ترکیه بود، به نحوی ادعای دولت ترکیه برای ایجاد منطقه امن، پذیرفته شده است.<sup>۲</sup>

#### ۴. مشروعیت ایجاد منطقه امن در شمال شرق سوریه

تاسیس یکجانبه منطقه امن توسط دولت ترکیه، بدون مجوز شورای امنیت ولو با توافق دو ابرقدرت آمریکا و روسیه و بدون حضور و دخالت حکومت مرکزی سوریه و یا نیروهای کرد سوری، اقدامی بی‌سابقه در نظام حقوق بین‌الملل است. در این بند، مشروعیت تشکیل منطقه امن را بررسی می‌شود. در واقع، جایگاه و مشروعیت قانونی منطقه امن

---

۱. ایران خواستار پایان عملیات نظامی ترکیه در سوریه شد، 21.01.2018، لینک مطلب، [https:// p. dw. com/p/2rGUE](https://p.dw.com/p/2rGUE)

2. See 'Russia: Syrian Safe Zones Plan Comes into Effect', Al Jazeera News (online), 6 May 2017 <[http:// www. aljazeera. com/ news/ 2017/ 05/russia- syrian- safe-zones-plan-takes-effect-midnight170505185444598 html#](http://www.aljazeera.com/news/2017/05/russia-syrian-safe-zones-plan-takes-effect-midnight170505185444598.html#)>.

ایجاد شده در مرز سوریه با ترکیه از سه منظر مختلف مقررات حقوق بین‌الملل، محل بحث و بررسی است.

#### ۴-۱. مغایرت با مقررات حاکم بر توسل به زور و منع مداخله در امور داخلی دیگر دولت‌ها

با رشد اعتراضات داخلی در سال ۲۰۱۲ نیروهای شورشی اعم از سکولار و مذهبی با دولت مرکزی سوریه وارد جنگ شدند. لازم به ذکر است که منشور ملل متحد در خصوص مشروعیت کاربرد زور در گستره داخلی دولت‌ها (چه از سوی حکومت قانونی یا گروه شورشی) ساکت است و حکمی در این مورد ندارد. در واقع بند ۴ ماده ۲ منشور؛ تهدید یا استفاده از زور را در روابط بین دولت‌ها ممنوع اعلام کرده و در موردی که استفاده از زور تنها داخل در قلمرو داخلی دولت رخ دهد، فاقد حکم است.

از ظاهر و منطوق بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد چنین استنباط می‌شود که منشور مانع اقدام شورشیان در انجام حملات نظامی علیه حکومت مرکزی نخواهد شد و در عوض دولت مرکزی نیز می‌تواند به سرکوب شورشیان اقدام نماید. بعبارت دیگر دولت مرکزی حق دارد که از خود در برابر حملات نظامی گروه شورشی حفاظت نماید و از سوی دیگر در منشور ملل متحد ماده‌ای دیده نمی‌شود که توسل شورشیان به اقدامات نظامی علیه حکومت مرکزی را ممنوع بداند.

دولت ترکیه از بدو آغاز درگیری مسلحانه میان دولت مرکزی و شورشیان، جانب مخالفان را گرفت و به آنها کمک نظامی و مالی داد و از آنها حمایت سیاسی کرد. در عملیات چشمه صلح برای ایجاد منطقه امن در شمال شرق سوریه نیز گروه‌های مخالف دولت مرکزی بعنوان پیاده نظام، نقش اساسی در این عملیات ایفا نمودند. حمایت دولت ترکیه از گروه‌های مخالف دولت سوریه و اسکان آنها در منطقه امن، دخالت در امور داخلی دولت خارجی محسوب می‌شود. قطعنامه ۲۶۲۵ درباره اصول حاکم بر روابط دوستانه بین دولت‌ها در این باره مقرر می‌دارد: «هیچ کشور یا گروهی از کشورها حق مداخله مستقیم یا غیر مستقیم به هر دلیلی در امور داخلی یا خارجی کشور دیگر را ندارد

در نتیجه مداخله نظامی و سایر اشکال مداخله یا تهدید علیه تمامیت ارضی کشورها یا علیه استقلال سیاسی، اقتصادی و... نقض حقوق بین‌الملل است.<sup>۱</sup>

در نظریه علمای حقوق بین‌الملل و رویه قضایی بین‌المللی، در این خصوص که آیا دولت مرکزی و یا شورشیان می‌توانند از دول ثالث تقاضای کمک نمایند یا خیر، دو نظر متفاوت وجود دارد:

برخی حقوق‌دانان معتقدند که اگر سطح آشوب و درگیری به مخاصمه داخلی برسد، هیچ کدام از طرفین مخاصمه و از جمله حکومت مرکزی نیز نمی‌توانند از دولت خارجی تقاضای کمک و مداخله نمایند.<sup>۲</sup> این دسته از حقوق‌دانان معتقدند که هر نوع دخالت خارجی و به هر مجوزی در مخاصمه داخلی، با این تهدید روبروست که دامنه جنگ را توسعه و گسترش دهد.<sup>۳</sup>

تدوین کنندگان قطعنامه ۱۹۷۵ انستیتو حقوق بین‌الملل نیز بر آن بودند که مداخله خارجی به صورت مطلق، غیرقانونی محسوب گردد.<sup>۴</sup> در ماده ۲ قطعنامه انستیتو حقوق بین‌الملل، مداخله دول خارجی در مخاصمات داخلی ممنوع شده و ماده ۳ تنها اعطای کمک‌های بشردوستانه را از ممنوعیت گفته شده مستثنی کرده است. بعبارت دیگر دولت‌ها حق ندارند به نفع هیچ کدام از طرفین مخاصمه اقدام نمایند و به آنان یاری رسانند.

اما گروهی دیگر از حقوق‌دانان معتقدند که مداخله دولت خارجی با دعوت از سوی حکومت مشروع بوده و از سوی نیروهای مخالف قابل قبول نیست و عموماً این قاعده پذیرفته شده است که نیروهای شورشی از حقی معادل با دولت در دریافت کمک‌های خارجی برخوردار نخواهند شد.<sup>۵</sup> بعبارت دیگر دولت خارجی در صورت درخواست

1. A/RES/2625 (XXV) 24 October 1970.

2. Lumsden Eleanor, "An Uneasy Peace: Multilateral Military Intervention in Civil Wars", N.Y.U. J. INT'L L. & POL. Vol. 35, (2003), p. 802.

۳. والاس ربکا، حقوق بین‌الملل، ترجمه سید قاسم زمانی، ویرایش دوم (تهران: موسسه مطالعات پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۷) ص ۳۵۰.

۴. عزیزی، همان، ص ۱۷۰.

5. Wippman David, "Change and Continuity in Legal Justifications for Military Conflict", Colum. Human Rights L. Rev. (1996), Vol. 27, p.440.

حکومت مرکزی می‌تواند به ارسال کمک‌های مختلف و از جمله انجام اقدامات نظامی مبادرت نماید. اما اعطای کمک به شورشیان مخالف قواعد حقوق بین‌الملل است.<sup>۱</sup> در واقع هر چند برخی نویسندگان قاعده ممنوعیت مداخله به سود گروه‌های مخالف را به چالش کشیده‌اند زیرا از زمان جنگ جهانی دوم موارد زیادی از مداخلات به نفع گروه‌های مخالف دیده می‌شود<sup>۲</sup> اما رویه دولت‌ها نشان می‌دهد که دولت‌های مداخله‌گر عموماً مدعی وجود حق قانونی جهت کمک‌رسانی به گروه شورشی نبوده‌اند و این مداخلات آزادانه انجام نشده و بدون ارسال مستقیم سرباز صورت گرفته و یا حتی اصولاً انکار شده و یا در مواردی که دولت مداخله‌گر وجود مداخله را پذیرفته؛ گروه مربوط را به عنوان دولت قانونی شناسایی کرده و دخالت خود را به دلیل دعوت به کمک از سوی دولت قانونی توجیه کرده است.<sup>۳</sup>

رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری نیز حمایت دولت ثالث از شورشیان در یک مخاصمه مسلحانه داخلی را ناقض قاعده منع مداخله در امور داخلی تلقی کرده است. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه اعلام داشت که دولت می‌تواند از دولت خارجی درخواست کمک نماید اما دولت ثالث نمی‌تواند از نیروهای مخالف برای سرنگونی حکومت حمایت نماید. به اعتقاد دیوان «در حقوق بین‌الملل معاصر حق عمومی مداخله در حمایت از نیروهای مخالف دولت دیگر وجود ندارد».<sup>۴</sup> همچنین دیوان اعلام داشت که مطمئناً اصل منع مداخله موثر بودن خود را به عنوان یک اصل حقوقی از دست خواهد داد «اگر (مداخله خارجی) که قبلاً به درخواست حکومت مجاز بوده است به درخواست اپوزیسیون نیز مجاز باشد. این مساله بر هر دولتی اجازه می‌دهد که در هر زمان در امور داخلی دولت دیگر مداخله کند».<sup>۵</sup>

1. Doswald- Beck, "The Legal Validity of Military Intervention by Invitation of the Government", (1985), 56 BYIL, p.189.
2. Mullerson Rein, "Sources of International Law: New Tendencies in Soviet Thinkings", American Journal of International Law, (1989), Vol. 83, p. 494; Weisburd Mark, *Use of Force: The Practice of States since World War II* (America: Penn State Press, 1997) p.179.
3. Gray Christine, *International Law and Use of Force*, Third Edition (Oxford University Press, 2008) p.105.
4. ICJ Reports 1986. Case Concerning Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America), Paras. 207-209.
5. Ibid. para.246.

دیوان در رای ۲۰۰۵ در قضیه «اقدامات نظامی در سرزمین کنگو» در حقیقت از رویه خود در پرونده نیکاراگوئه تبعیت نمود.<sup>۱</sup> دیوان در این قضیه نیز همچون پرونده نیکاراگوئه بار دیگر اعلام کرد که مقررات اعلامیه روابط دوستانه ۱۹۷۰ بیانگر حقوق عرفی است. دیوان با پیروی از رویه خود، مداخله دولت اوگاندا در مخاصمه داخلی کنگو را ناقض مقررات منع مداخله و منع توسل به زور در حقوق بین‌الملل دانست: «دیوان بدین ترتیب در رابطه با ادعای اول کنگو نتیجه می‌گیرد که اوگاندا حاکمیت و تمامیت ارضی کنگو را نقض کرده است. اقدامات اوگاندا همچنین دخالت در امور داخلی کنگو و جنگ داخلی است که در آنجا شدت گرفته است. مداخله غیرقانونی نظامی از سوی اوگاندا از چنان شدت و تداومی برخوردار بوده که دیوان آنرا نقض شدید ممنوعیت توسل به زور می‌داند که در بند ۴ ماده ۲ منشور ذکر شده است».<sup>۲</sup>

تشکیل منطقه امن در شمال شرق سوریه با مقررات «حاکم بر توسل به زور» مغایرت دارد. زیرا منطقه مزبور با حمایت ترکیه از شورشیان سوریه و برخلاف رضایت دولت سوریه تاسیس شده است و دولت مرکزی سوریه نیز با حضور نیروهای ترکیه برای گشت‌زنی و حضور در این منطقه مخالف است.

در این ارتباط توجه به نامه نماینده دائم جمهوری عربی سوریه خطاب به شورای امنیت سازمان ملل مورخ ۱۰ اکتبر ۲۰۱۹ ضرورت دارد.<sup>۳</sup> از سوی دیگر، شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز نه تنها مجوزی برای تشکیل منطقه امن در منطقه مزبور صادر نکرده

---

۱. جهت مطالعه بیشتر رویه دیوان در این خصوص، ر.ک ستار عزیز، «بررسی مشروعیت دعوت از مداخله خارجی در مخاصمات داخلی: با تأکید بر رای دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه «فعالیت‌های نظامی در سرزمین کنگو»، مجله پژوهش حقوق و سیاست دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۳۳، (۱۳۹۰)، صص ۲۰۲-۱۶۹.

2. ICJ Reports 2005, The Armed Activities on the Territory of the Congo Case (Democratic Republic of Congo v. Uganda). para.165.

3. Jus ad bellum.

۴. در بخش‌هایی از این نامه آمده است: «جمهوری عربی سوریه با شدیدترین عبارات اظهارات بی‌پروا و اهداف خصمانه رژیم ترکیه و تقویت ارتش در مرز سوریه را محکوم می‌کند. این به معنای نقض آشکار حقوق بین‌الملل و قطعنامه‌های شورای امنیت مبنی بر لزوم احترام بر وحدت، یکپارچگی و حاکمیت سوریه می‌باشد. رفتار خصمانه رژیم اردوغان، جاه‌طلبی‌های توسعه‌طلبانه ترکیه در قلمرو جمهوری عربی سوریه را آشکار می‌کند که به هیچ بهانه قابل توجیه نیست. جمهوری عربی سوریه مجدداً بر غیرقابل تعرض بودن، حاکمیت و تمامیت قلمرو خود تأکید کرده و اراده خود را برای پاسخ به تجاوز ترکیه با تمامی راه‌های قانونی، تأکید می‌کند» (S/2019/806).

بلکه بسیاری از دولت‌های جهان نیز با عملیات یکجانبه ترکیه در شمال سوریه مخالفت کرده‌اند و حتی بیانیه شورای امنیت سازمان ملل متحد مبنی بر توقف عملیات نظامی ترکیه تنها با مخالفت روسیه و آمریکا به تصویب نرسید. تصرف و اشغال مناطقی از سرزمین سوریه با رعایت اصل تمامیت ارضی دولت‌ها مغایرت دارد. رسالت حفظ نظم حقوقی بین‌المللی ایجاب می‌کند که تمامیت ارضی بعنوان یک شاخص مهم مورد توجه جامعه بین‌المللی قرار گیرد و از تعدیل و تضعیف آن کاسته شود. جامعه بین‌المللی که مجموعه‌ای سازمان‌یافته از دولت‌های فوق است، تکیه بر اصل همکاری و جستجوی منافع مشترک در عرصه‌های فراملی را با حضور سایر بازیگران دنبال می‌کند. یکی از ضروریات حیات پایدار در چنین جامعه‌ای تضمین حداقل مبنای صلح و ثبات است که در پرتو آن ممنوعیت جنگ و توسل به زور و عدم تهدید تمامیت ارضی به عنوان سیاستی ملی و جاهت می‌یابد.<sup>۱</sup>

تمامیت ارضی به همراه استقلال سیاسی غالباً در تمامی اسناد بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است. تمامیت ارضی و استقلال سیاسی به عنوان یکی از نیازهای ضروری دولت به شدت با یکدیگر همبستگی دارند، زیرا قلمرو دولت به عنوان یک چارچوب فضایی و به لحاظ جغرافیایی، یکی از شرایط لازم برای تحقق استقلال سیاسی محسوب می‌شود.<sup>۲</sup> هرگونه تحریک، سازماندهی و حمایت از شورشیان داخلی مصداق مداخله در امور داخلی دیگر دولت‌هاست<sup>۳</sup> که یکی از آثار برجسته تساوی حاکمیت دولت‌ها و از قواعد عرفی تثبیت شده نظام حقوق بین‌الملل است.<sup>۴</sup>

## ۲-۴. مغایرت با مقررات حقوق بین‌الملل کیفری

نظر به اینکه مقامات دولت ترکیه از جمله رییس جمهور این کشور بارها تأکید کرده‌اند که در این منطقه خواهان اسکان پناهندگان سوری آواره در ترکیه در منطقه امن هستند

۱. نادر ساعد، «مفهوم تمامیت ارضی در نظم حقوق بین‌الملل»، مجله پژوهش حقوقی، شماره ۷، (۱۳۸۳)، ص ۳۲.  
 2. Christian Marxsen, "Territorial Integrity in International Law- It's concept and Implication for Crimea", 75 Heidelberg Journal of International Law, (2014), at. 10.  
 ۳. غلامعلی قاسمی، «چالش‌های اصل عدم مداخله و جایگاه آن در حقوق بین‌الملل»، فصلنامه آفاق امنیت، شماره ۳۳، (۱۳۹۵)، ص ۱۵۹.  
 4. Antonio Cassese, *International Law* (Oxford University Press, 2001) p.62.



که آمار آنها بالغ بر سه میلیون و ششصد هزار نفر می‌شود، به نظر می‌رسد که این اقدام در واقع جایگزینی جمعیت مذکور که عمدتاً عرب هستند با ساکنان کرد شمال شرق سوریه می‌باشد. به نظر می‌رسد که این اقدام در ادبیات حقوق بین‌المللی کیفری، پاکسازی قومی نام دارد. پاکسازی قومی ترجمه تحت‌اللفظی اصطلاح "ethnic cleansing" در زبان صربی - کرواتی می‌باشد.<sup>۱</sup> کمیسیون کارشناسان که طبق قطعنامه ۸۷۰ شورای امنیت سازمان ملل برای تحقیق در مورد نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو و سایر نقض‌های حقوق بشر دوستانه بین‌المللی و بویژه اقدام به پاکسازی قومی تشکیل شده بود در اولین گزارش خود در ۱۰ فوریه ۱۹۹۳ پاکسازی قومی را اینگونه تعریف کرده است: ایجاد یک منطقه همگون قومی با استفاده از زور و ارباب برای بیرون راندن اشخاص گروه‌های معینی از منطقه.<sup>۲</sup> همین کمیسیون در گزارش نهایی خود پاکسازی قومی را ایجاد یک منطقه همگون قومی با استفاده از زور یا ارباب با هدف حذف اشخاص گروه‌های قومی یا مذهبی دیگر از منطقه تصرف شده تعریف کرده است.<sup>۳</sup> بنابراین پاکسازی قومی، جابجایی اجباری و سیستماتیک اعضای یک گروه قومی از جامعه به منظور تغییر ترکیب قومی یک منطقه معین است.<sup>۴</sup> اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز در ماده ۷ قسمت «د» از «اخراج یا انتقال اجباری جمعیت» بعنوان یکی از مصادیق «جنایت علیه بشریت» نام برده است و در قسمت دوم همان ماده، اخراج یا انتقال اجباری جمعیت را به معنای جابجا کردن اجباری اشخاص مورد نظر از طریق بیرون راندن یا دیگر اعمال قهرآمیز از منطقه‌ای که قانوناً در آنجا حضور دارند، بدون این که بر اساس حقوق بین‌الملل مجاز باشد، تعریف کرده است. تردیدی نیست که آواره شدن بیش از سیصد هزار نفر از کردهای سوریه که متعاقب عملیات نظامی ترکیه آواره شده‌اند اگر با جایگزینی اعراب آواره سوری در مناطق محل سکونت آنها توسط دولت ترکیه تعقیب شود، جنایت پاکسازی قومی و یا حداقل جنایت اخراج یا انتقال اجباری جمعیت روی داده است. شورای امنیت

1. Drazen Petrovic, "Ethnic Cleansing an Attempt at Methodology", European Journal of International Law, Volume 5, Issue 3, (1994), p.342.

2. Ibid. p.190.

3. Final Report of the United Nations Commission of Experts Established Pursuant to Council Resolutions 780 – S/1994/674/Annex IV, p. 5.

۴. رسول اسلام پناه، پاکسازی قومی با تاکید بر پاکسازی قومی کردها در کرکوک عراق، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور تهران، زمستان، (۱۳۹۱)، ص ۱۴.

سازمان ملل متحد نیز در چندین قطعنامه که در خصوص جنگ داخلی یوگسلاوی و در تقییح اقدامات صرب‌ها علیه مسلمانان و کروات‌ها صادر کرده است به جنایت پاکسازی قومی اشاره کرده و آن را محکوم کرده است.<sup>۱</sup> همچنین شورا در قطعنامه ۱۶۷۴ مورخ ۲۸ آوریل ۲۰۰۶ مفاد پاراگراف‌های ۱۳۸ و ۱۳۹ سند نهایی اجلاس جهانی سال ۲۰۰۵ را در رابطه با مسئولیت حمایت مردم در برابر ژنوسید، جرایم جنگی، پاکسازی قومی و جنایات علیه بشریت مورد تایید قرار داد.<sup>۲</sup>

#### ۳-۴. مغایرت با حق تعیین سرنوشت مردم سوریه

عملیات چشمه صلح و تلاش ترکیه برای ایجاد منطقه امن و اسکان پناهندگان غیر کرد در مناطق کردنشین با یکی از دیگر مقررات مهم نظام حقوق بین‌الملل یعنی حق تعیین سرنوشت مغایرت دارد. لازم به ذکر است که رییس جمهور ترکیه صراحتاً اعلام کرده است که گروه‌های ی.پ.گ و پ.ی.د یعنی گروه‌هایی که هم اکنون نمایندگی کردها به عنوان بخشی از جامعه قومی سوریه را بر عهده دارند، نباید در آینده سیاسی سوریه جایگاهی داشته باشند.<sup>۳</sup> بدیهی است که هیچ دولتی حق ندارد با مداخله در امور داخلی دیگر دولت‌ها، متوقع باشد که بخشی از جامعه آن کشور در اداره امور سیاسی و اجتماعی آن جامعه مشارکت نداشته باشد. چنین توقعی، نقض حق تعیین سرنوشت مردم و مداخله در امور داخلی دیگر دولت‌هاست.

باید توجه داشت که بارزترین تجلی حق تعیین سرنوشت در حوزه‌های داخلی، حق مشارکت سیاسی است<sup>۴</sup> و تمامی گروه‌های قومی یک کشور، از حق تعیین سرنوشت داخلی و مشارکت در امور سیاسی کشور می‌بایست بهره‌مند شوند. در واقع برقراری حکومت خودگردان برای کردهای سوریه، موضوعی است که در چارچوب اعمال حق

۱. در این ارتباط می‌توان به این قطعنامه‌های شورای امنیت اشاره کرد: ۷۷۱، ۷۸۰، ۷۸۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۴، ۸۲۷، ۸۳۶، ۸۷۶ و ۹۴۱.

2. SC/RES/1674/2006.

3. Turkey says Kurdish YPG should not be involved in Syria talks, Available at: <https://www.reuters.com/article/us-mideast-crisis-syria-turkey-kurds-idUSKBN14J1CJ>.

۴. سید محمد قاری سید فاطمی، حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر دوم، چاپ دوم (تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۸۹) ص ۹۹.

تعیین سرنوشت داخلی به رابطه میان مردم کرد با حکومت و دولت خودشان مربوط می‌شود<sup>۱</sup> و هیچ دولت خارجی از جمله ترکیه حق ندارد در خصوص ایجاد یا عدم ایجاد خودگردانی برای کردهای سوریه بعنوان یکی از شیوه‌های اعمال حق تعیین سرنوشت مداخله و تصمیم‌گیری نماید.

دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه به روشنی بر ممنوعیت دیگر دولت‌ها از مداخله در امور داخلی دیگر دولت‌ها و نقض حق تعیین سرنوشت آنها تاکید کرده است:

«این اصل تمام دولت‌ها یا گروه‌هایی از دولت‌ها را از مداخله مستقیم یا غیرمستقیم در امور داخلی یا خارجی دیگر کشورها منع می‌کند. مداخله منع شده بایستی راجع به موضوعاتی باشد که هر دولتی به دلیل اصل حاکمیت اجازه دارد آزادانه در آن مورد تصمیم بگیرد. یکی از این موارد انتخاب سیستم سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تدوین سیاست خارجی می‌باشد»<sup>۲</sup>.

### نتیجه‌گیری

در این مقاله، مطابقت مفهوم «منطقه امن» که در شمال شرق سوریه، متعاقب توافقات جداگانه میان آمریکا و ترکیه و نیز روسیه و ترکیه ایجاد گردید، با مقررات حقوق بین‌الملل بررسی شد.

«منطقه امن» دارای معنای عامی است که نهادهایی با عناوین مختلف را شامل می‌شود. همچنین می‌توان از منطقه امن در معنای خاص نیز نام برد که به نظر می‌رسد که اقدام دولت ترکیه در تاسیس منطقه امن در شمال شرق ترکیه در چارچوب این معنای خاص قرار دارد.

تشکیل این منطقه به جهات مختلف با مقررات حقوق بین‌الملل مغایرت دارد. اولاً دولت مرکزی سوریه مخالف شدید خود را با تشکیل این منطقه اعلام کرده است و شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز برخلاف مورد بوسنی، مجوزی برای تشکیل این

1. Gaetano Pentassuglia, "State Sovereignty, Minorities and Self-Determination: A Comprehensive Legal View", International Journal on Minority and Group Rights, No. 9, (2002), p. 306.

2. Nicaragua Case, para: 205.

منطقه به ترکیه نداده است بلکه غالب دولت‌ها مخالفت خود را با این عملیات و تاسیس این منطقه اعلام کرده‌اند. بدیهی است که حضور سربازان ترکیه در خاک دولت سوریه بدون اجازه حکومت مرکزی اصولاً مغایر بند ۴ ماده ۲ منشور می‌باشد. ثانیاً تلاش ترکیه برای اسکان پناهندگان سوری ساکن در ترکیه که غیر کرد هستند، در مناطق محل سکونت کردها در شمال شرق سوریه، پاکسازی قومی و اقدامی مغایر مقررات حقوق بین‌الملل کیفی است و ثالثاً تلاش ترکیه برای محروم کردن کردهای سوری از تشکیلات خودگردان، دخالت در امور داخلی دولت سوریه است. تاسیس نظام فدرال و یا اعطای خودگردانی به کردهای سوریه، موضوعی داخلی است که می‌بایست در چارچوب تدوین قانون اساسی جدید سوریه و توافق دولت مرکزی با کردهای آن کشور مشخص گردد و هیچ دولتی حق ندارد در امور داخلی دیگر دولت‌ها مداخله کرده و حق تعیین سرنوشت داخلی مردم دیگر دولت‌ها را نادیده گیرد.

ممکن است ادعا شود که در دهه ۱۹۹۰ نیز بدون مجوز صریح شورای امنیت، در شمال عراق یعنی محل سکونت کردهای عراق نیز منطقه امن تشکیل شده بود و در حال حاضر نیز تشکیل منطقه مهم در شمال سوریه با توافق میان ترکیه از یک سو با آمریکا و روسیه (البته طی موافقتنامه‌های جداگانه) شکل گرفته است و در نتیجه آن را می‌بایست قانونی تلقی نمود اما مشابه‌سازی میان دو مورد صحیح نیست.

میان تاسیس منطقه امن در کردستان عراق با تاسیس منطقه امن در کردستان سوریه، تفاوت‌های قابل توجهی دیده می‌شود:

- اولاً در مورد کردستان عراق، جامعه جهانی پس از مشاهده درد و رنج کردها از جمله آواره شدن بیش از نیم میلیون در مرزهای ترکیه و ممانعت آن کشور از ورود کردها به آن کشور، خواهان تاسیس منطقه امن برای آنها در سرزمینشان شد حتی دولت ترکیه نیز جهت جلوگیری از ورود آوارگان جنگ به کشورش خواهان تاسیس این منطقه بود اما در مورد سوریه، کردها و دولت محلی حاکم بر آنجا، خواهان ایجاد این منطقه نیستند و اصولاً تا قبل از عملیات نظامی ترکیه، هیچ مشکل و درگیری در این ناحیه وجود نداشت.

- ثانیاً در زمان تاسیس منطقه امن در کردستان عراق، بسیاری از دولت‌ها از جمله دول همسایه با تشکیل این منطقه موافق بودند و با نگارش نامه‌های رسمی خطاب به شورای امنیت، خواهان مداخله آن شورا جهت جلوگیری از آواره شدن کردها بودند اما در مورد

منطقه امن ادعا شده توسط دولت ترکیه، بسیاری از دولت‌ها از جمله اتحادیه عرب، اتحادیه اروپا و همسایگان سوریه مانند ایران با تشکیل منطقه امن مخالف هستند. - ثالثاً گروهی ادعا می‌کردند که مداخله جامعه بین‌المللی در عراق جهت ممانعت از ادامه رنج و محنت کردها در برابر رژیم صدام حسین صورت گرفته است و می‌توان آن را در چارچوب مداخله بشردوستانه توجیه کرد.<sup>۱</sup> بند اول قطعنامه ۶۸۸ شورای امنیت نیز به شدت، سرکوب مردم عراق از جمله کردها توسط رژیم عراق را محکوم کرده و آن را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی کرده بود. این در حالی است که در زمان حمله ترکیه به شمال شرق سوریه، آرامش در منطقه محل سکونت کردها کاملاً حاکم بود و این حمله باعث آوارگی بیش از سیصد هزار نفر از کردها شد؛ به نحوی که بسیاری از دولت‌ها، حمله ترکیه را باعث تهدید علیه صلح و امنیت منطقه می‌دانستند. - رابعاً هرچند دولت عراق نسبت به تاسیس منطقه امن در شمال عراق، رضایت اولیه نداشت اما در برابر تشکیل آن مقاومت نظامی نکرد و نهایتاً نیز تحت توافق مورخ ۱۸ آوریل ۱۹۹۱ با نماینده دبیرکل سازمان ملل متحد به نحو ضمنی مشروعیت ایجاد منطقه را پذیرفت اما دولت سوریه متعاقب توافق با حکومت محلی کردها با اعزام واحدهای نظامی در برابر نیروهای نظامی ترکیه به زور متوسل شد هرچند که نهایتاً نتوانست مانع از تصرف آن منطقه توسط ترکیه شود.

## منابع

### کتاب‌ها

- عزیزی، ستار و همکاران، تابعیت در حقوق ایران و بین‌الملل (همدان: انتشارات دانشگاه بوعلی سینا، ۱۳۹۰).
- قاری سید فاطمی، سید محمد، حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر دوم، چاپ دوم (تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۸۹).
- والاس، ربکا و همکاران، حقوق بین‌الملل، ترجمه سید قاسم زمانی، چاپ ششم، ویرایش سوم (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۶).

1. Peter, op.cit. p.126.

## پایان نامه

- اسلام پناه، رسول، پاکسازی قومی با تأکید بر پاکسازی قومی کردها در کرکوک عراق، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور تهران، زمستان (۱۳۹۱).

## مقاله‌ها

- امیدی، علی و همکاران، «بحران سوریه براساس نظریه مکعب بحران»، فصلنامه روابط خارجی، شماره ۳۶، (۱۳۹۶).
- باقری دولت آبادی، علی و همکاران، «آینده سیاسی کردستان سوریه: بیم‌ها و امیدها»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۲۳، (۱۳۹۶).
- حافظ‌نیا، محمدرضا، «تاثیر خودگردانی کردهای شمال عراق بر کشورهای همسایه»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۳، (۱۳۸۵).
- ساعد، نادر، «مفهوم تمامیت ارضی در نظم حقوق بین‌الملل»، فصلنامه اطلاع‌رسانی حقوقی، شماره ۷، (۱۳۸۳).
- سردارنیا، خلیل‌الله و همکاران، «اپوزسیون سکولار و بحران سوریه»، فصلنامه روابط خارجی، شماره ۲ (۱۳۹۶).
- سلیمی، آرمان و همکاران، «کردهای سوریه: الگوی سنجش وزن اقلیت»، فصلنامه روابط خارجی، شماره ۲، (۱۳۹۳).
- شریفیان، جمشید و همکاران، «تعامل و تقابل ایران و ترکیه در بحران سوریه»، فصلنامه امنیت پژوهی، شماره ۳۸، (۱۳۹۱).
- عزیزی، ستار، «بررسی مشروعیت دعوت از مداخله خارجی در مخاصمات داخلی: با تأکید بر رای دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه «فعالیت‌های نظامی در سرزمین کنگو»، مجله پژوهش حقوق و سیاست دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۳۳، (۱۳۹۰).
- کرمی، جهانگیر، «گزارشی از تحولات شمال عراق در دهه ۱۹۹۰»، مجله سیاست دفاعی، شماره‌های ۲۰-۲۱، (۱۳۷۶).
- قاسمی، غلامعلی، «چالش‌های اصل عدم مداخله و جایگاه آن در حقوق بین‌الملل»، فصلنامه آفاق امنیت، شماره ۳۳، (۱۳۹۵).

## References

### Books

- Cassese, Antonio, *International Law* (Oxford University Press, 2001).

- Gray, Christine, *International Law and Use of Force* (Oxford University Press, 2008).
- Weisburd, Mark, *Use of Force: The Practice of States since World War II* (American: Penn State Press, 1997).

### Articles

- Akashi, Yasushi, "The Use of Force in a United Nations Peace-Keeping Operation: Lessons Learnt from the Safe Areas Mandate", *Fordham International Law Journal*, Volume 19, Issue 2, (1995).
- Doswald-Beck, Louise, "The Legal Validity of Military Intervention by Invitation of the Government", *BYIL*, No. 56, (1986).
- Gilbert, Geoff et al, "Creating Safe Zones and Safe Corridors in Conflict Situations: Providing Protection at Home or Preventing the Search for Asylum?" *Andrew & Renata Kaldor Centre for International Refugee Law*, No. 5, (2017).
- Gillard Emanuela-Chiara, "Safe areas: The International Legal Framework", *International Review of the Red Cross*, No. 3, (2017).
- Landgren, Karin, "Safety Zones and International Protection: A Dark Grey Area", *International Journal of Refugee Law*, Volume 7, Issue 3, (1995).
- Lumsden, Eleanor, "An Uneasy Peace: Multilateral Military Intervention in Civil Wars", *JILP*, Vol: 35, No.795, (2003).
- Eian Katz, "Between Here and There: Buffer Zones in International Law", *The University of Chicago Law Review*, Vol. 84, (2017).
- Malanczuk, Peter, "The Kurdish Crisis and Allied Intervention in the Aftermath of the Second Gulf War", *EJIL*, Vol. 2, No. 2, (1991).
- Marxsen, Christian, "Territorial Integrity in International Law- It's Concept and Implication for Crimea", *Heidelberg Journal of International Law*, No.75, (2015).
- Mullerson, Rein, "Sources of International Law: New Tendencies in Soviet Thinkings", *The American Journal of International Law*, Vol. 83, No. 3, (1989).

- Pentassuglia, Gaetano, "State Sovereignty, Minorities and Self-Determination: A Comprehensive Legal View", International Journal on Minority and Group Rights, No. 4, (2002).
- Petrovic, Drazan, "Ethnic Cleansing an Attempt at Methodology", EJIL, No. 5, (1994).
- Wippman, David, "Change and Continuity in Legal Justifications for Military Conflict", Columbia Human Rights Law Review, Vol. 27, (1996).

### Cases

- ICJ Reports 1986. Case Concerning Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America).
- ICJ Reports 2005. The Armed Activities on the Territory of the Congo Case (Democratic Republic of Congo v. Uganda).

### Document

- A/RES/2625 (XXV) 24 October 1970.
- A/RES/2131 (XX) OF 21 DECEMBER 1965.
- Final Report of the United Nations Commission of Experts Established Pursuant to Council Resolution 780 – S/1994/674/Annex IV.
- SC/RES/2254 (2015).
- S/RES/819(1993).
- S/RES/824(1993).
- S/RES/827(1993).
- S/RES/870(1993).
- S/RES/1674(2006).

### Websites

- Turkish Forces in Syria Protect 5 Million People - The New York Times (nytimes.com).
- "Peace Fountain Operation" Joint Press Release - Ordu Commodity Exchange (ordutb.org.tr).
- <https://www.isna.ir/news/98072015208>.
- <https://per.euronews.com/2019/10/14/european-union-unanimously-condemned-turkey-military-attack-northern-syria-stop-selling>.
- <https://p.dw.com/p/2rGUe>.